



ویژه نامه دهمین جشنواره مردمی فیلم عمار
شماره هشتم، ۱۹ دی ۱۳۹۸
AmmarFilm.ir

«سینما»، تنها «فیلم» نیست

بررسی «زیرساخت‌های سینمایی و مهندسی مخاطب»

صفحه ۱

برای اسدا...، اسحاق و دیگران

گذری بر مستند «نبرد بیست و نهم»

صفحه ۲

عشق، وطن، موتور تریل

صفحه ۲

تلاش برای تصحیح ساختار معیوب سینمای ایران

سید رسول منفرد از «سینما مردم» جشنواره عمار می‌گوید

صفحه ۳

قضاوت شخصی، مستند نیست

گپ‌وگفتی درباره مستند «متولد اورشلیم»

صفحه ۴

نسخه ایرانی؛ جایگزین امریکایی‌ها در ترکیه

در بخش «سفارش ساخت» بخوانید

صفحه ۴



روز هفتم اکران‌های مرکزی

دهمین جشنواره عمار؛ سینما فلسطین تهران



غرفه ایوان رنگین کمان



عکس سلفی مخاطبان جشنواره



نشست خبری مستند «روای آجری»



طرح بلیت فروشی اختیاری



حضور اقشار مختلف



غرفه ایوان رنگین کمان

در نشست تخصصی «زیرساخت‌های سینمایی و مهندسی مخاطب» مطرح شد:

«سینما»، تنها «فیلم» نیست

سینمایی «جهان با من برقص» که قرار است بعد از ما به روی پرده سینماها بیاید، تبلیغات آن این گونه بود که بعد از فیلم «سال دوم دانشکده من» رسول صدرعاملی دو هفته یک فیلمی می‌آید و سپس ما هستیم. در حقیقت فیلمی که به حساب آنها قرار بود ۱۰۰ تا ۱۵۰ میلیون تومان و نهایتاً ۵۰۰ میلیون تومان فروش کند تا امروز پنج میلیارد تومان فروش کرده است. بامروت‌نژاد عنوان کرد: ما در این فیلم، به این نتیجه رسیدیم که این سینما علیه فیلم‌ها موضع دارد و این موضع هم پیچیده است. موضع یک سینمادار نیست که فیلم حزب‌اللهی را دوست نداشته باشد بلکه شاهد شکل گرفتن یک سازماندهی در طول این ۴۰ سال هستیم که فقط یک نوع فیلم را برمی‌تابند.

کریم خوش‌مرام مدیر «راوی فیلم» نیز در بخش دوم این نشست تخصصی در سخنانی گفت: زمانی که در بحث مهندسی سینما ورود می‌کنیم، بسیاری صرفاً خود فیلم را مدنظر قرار می‌دهند ولی زمانی که مجموعه فیلم را در نظر می‌گیریم، می‌بینیم تولید، مرحله اول، توزیع و پخش، مرحله دوم و سینما و مخاطب در مرحله



سوم قرار دارد. زمانی که این سه موضوع را در کنار هم می‌گذاریم متوجه می‌شویم که تمامی آنها زنجیره‌وار، به هم متصل هستند. زمانی که تهیه‌کننده کاری را تولید و برای توزیع، آن را در اختیار پخش‌کننده قرار می‌دهند و سینما، بحث جریان‌سازی و جذب مخاطب را برعهده دارد.

مدیر «راوی فیلم» ادامه داد: زمانی که این سه مقوله از یک منبع سرچشمه بگیرند، شاهد شکل‌گیری یک نوع انحصار خواهیم بود که یک نوع آفت است. اثرات این موضوع را در سینما به‌خوبی مشاهده می‌کنیم که مثلاً یک فیلم در چه زمانی اکران شود، بررسی می‌کنیم، می‌بینیم که تهیه‌کننده اثر چه کسی است و پخش‌کننده آن، چه فردی است و سینمادارهای آنها چه کسانی هستند، این انحصار کاملاً برای ما ملموس می‌شود.

خوش‌مرام خاطر نشان کرد: زمانی که یک سرمایه‌گذار فیلمی را تولید می‌کند، اولین و مهم‌ترین موضوعی که برای او اهمیت دارد، بازگشت سرمایه او است. از طرف دیگر، مهم‌ترین موضوع برای کارگردان هم دیده شدن

سینمایی «جهان با من برقص» که قرار است بعد از ما به روی پرده سینماها بیاید، تبلیغات آن این گونه بود که بعد از فیلم «سال دوم دانشکده من» رسول صدرعاملی دو هفته یک فیلمی می‌آید و سپس ما هستیم. در حقیقت فیلمی که به حساب آنها قرار بود ۱۰۰ تا ۱۵۰ میلیون تومان و نهایتاً ۵۰۰ میلیون تومان فروش کند تا امروز پنج میلیارد تومان فروش کرده است. بامروت‌نژاد عنوان کرد: ما در این فیلم، به این نتیجه رسیدیم که این سینما علیه فیلم‌ها موضع دارد و این موضع هم پیچیده است. موضع یک سینمادار نیست که فیلم حزب‌اللهی را دوست نداشته باشد بلکه شاهد شکل گرفتن یک سازماندهی در طول این ۴۰ سال هستیم که فقط یک نوع فیلم را برمی‌تابند.

کریم خوش‌مرام مدیر «راوی فیلم» نیز در بخش دوم این نشست تخصصی در سخنانی گفت: زمانی که در بحث مهندسی سینما ورود می‌کنیم، بسیاری صرفاً خود فیلم را مدنظر قرار می‌دهند ولی زمانی که مجموعه فیلم را در نظر می‌گیریم، می‌بینیم تولید، مرحله اول، توزیع و پخش، مرحله دوم و سینما و مخاطب در مرحله

نوید کوهر، مدیر سینماسیاراتنجم سینمای جوان نیز در بخش دیگری از این نشست در سخنانی گفت: ما امروز ۲۶۸ سینما در سطح کشور داریم که شامل ۴۰۳ سالن سینما می‌شود. بیشترین تعداد این میزان در استان تهران، سپس در استان اصفهان و خراسان رضوی است.

وی افزود: در مورد زیرساخت‌های سینمایی بحثی که وجود دارد مبنی بر اینکه ساخت سینما چه در ایران و چه در کشورهای دیگر، فقط کار دولت نیست و بخش خصوصی باید وارد این حوزه شود. اما به هر حال، مسئله بسیار مهم، بازخورد اقتصادی ساخت این سینماها است. به‌طور مثال، شهری در کشور که ۲۰۰ هزار نفر جمعیت دارد، ظرفیت مخاطبی را ندارد که ما بتوانیم یک سالن سینمای ثابت، داخل آن داشته باشیم که هفت روز هفته، سه الی چهار سالن. اکران فیلم داشته باشد. البته صد در صد، بخش خصوصی هم در این بحث ورود پیدا نمی‌کند و ساخت و ایجاد سالن‌های سینما در این شهرها و مناطق، وظیفه دولت است.

گفت‌وگو با مهرداد حق‌شناس، کارگردان مستند «نبرد بیست‌ونهم»:

روایتی ناگفته‌از قهرمانان گمنام «نبرد با آمریکا»

گفت‌وگو

مهرداد حق‌شناس، متولد مهرماه ۱۳۴۹، در شهر بندر امام است.او تاکنون کارهای زیادی را در کارنامه دارد. اما **این اولین بار است که در جشنوارهٔ عمار و در بخش «ملت قهرمان»** با مستند «نبرد بیست‌ونهم» شرکت می‌کند. او در این گفت‌وگو، از **مستند بازسازی‌اش** می‌گوید که در آن، به سراغ قهرمانانی رفته که قصه فداکاری‌شان در لابه‌لای حوادث سه دهه اخیر، رو به فراموشی گذاشته بود.

به‌عنوان سؤال بفرمایید چه شد که به سراغ ماجرای «نبرد بیست‌ونهم» رفتید؟
بعد از تحقیقات اولیه، با آدم‌هایی که در طول این نبرد که با امریکایی‌ها بوده است، حضور داشتند، نزدیک به ۷۰ ساعت مصاحبه کردیم. از روایت‌های شاهدان عینی، به فیلم‌نامه اصلی رسیدیم. داستان، دو شخصیت داشت. شهید «اسحاق دارا» و شهید «اسدا». رئیس».

شهید دارا، حدود ۱۵ سال از شهید رئیس کوچک‌تر بود. این دو شخصیت، هیچ ارتباطی به‌جز در هدف نهایی با هم نداشتند. بنابراین سعی کردیم هر کدام را جداگانه مورد بحث قرار دهیم. از طرفی، صداسیمای هرمزگان که سفارش‌دهندهٔ این کار بود، ترجیحش این بود که به هر کدام از این شهدا، به‌صورت مجزا، پرداخته شود. بنابراین ما کار را به سه اپیزود تقسیم کردیم. اپیزود اول، مربوط به شهید دارا، اپیزود دوم؛ شهید رئیس و اپیزود سوم هم سرنوشت این دو شهید است که در جزیرهٔ ابوموسی به‌هم پیوند می‌خورد.

این کار، به شکل سه اپیزود مجزا، رسانه‌ای و پخش شده‌ولی نظر خودم این است که این سه اپیزود، باید به همین شکلی که در جشنواره است، دیده شود. شاید یک مقدار، این نوع فیلم‌سازی غیرمتعارف باشد ولی تجربهٔ نویی بود که در داستان، به‌صورت موازی پیش برود و در یک‌جا با هم تلاقی پیدا کنند.

چرا به سمت مستند بازسازی را برای روایت استفاده کردید؟

متأسفانه، سال‌های زیادی از واقعه، گذشته و هیچ چیز به‌جز یک فایل صدا، از این دو شهید موجود نبود، آن هم در حد دو دقیقه. با گروه مشورت کردم، پیشنهاد شد از نفرات دیگر که در جریان هستند، مصاحبه بگیریم؛ ولی ممکن بود مثل مستندهای معمولی شود. شرایط نبرد در دریا و نبرد در خشکی متفاوت است. انتقال این تفاوت به مخاطب، با روایت کردن و شنیدن این موضوع سخت بود و تمام مطلب منتقل نمی‌شد. نشان دادن سختی آن شرایط، گرمایی که از بالاست و آن آبی که زیر پای رزمنده‌ها است، این که به هیچ‌چیز به‌جز ایمان و

هر چیزی را به میل خودت در فیلم‌نامه قرار دهی و فیلم‌نامه و روایت شاهدان عینی است که تو را هدایت می‌کند. داستان «نبرد بیست‌ونهم»، برای سال ۱۳۶۷ و در جریان مبارزه با متجاوزان امریکایی در خلیج فارس است و تا امروز، تغییرات زیادی در فیزیک منطقه و یک‌گراند کار اتفاق افتاده بود. پیداکردن ادوات جنگی و لباس رزمنده‌ها، هر کدام سختی‌هایی داشت. ضمن این‌که ما می‌خواستیم به دو شهید، در یک فیلم بپردازیم و این کار را سخت‌تر می‌کرد. با همهٔ این سختی‌ها، ۹۰درصد از کار را بازسازی کردیم. فقط صدای پلن اول، صدای واقعی شهید رئیس است. در اپیزود سوم هم، انفجارات کشتی و تصاویر آن، پُر هزینه بود؛ بنابراین مجبور شدیم از تصاویر آرشیوی استفاده کنیم.

شهات خودشان، اتکا ندارند. این خیلی من را رغب می‌کرد که این سختی‌ها را به تصویر بکشم و به روایت و گفتار کفایت نکنم. بنابراین قرار شد تا آنجا که می‌توانیم به تصویر نزدیک بشویم. بیشتر از هر چیز خواستیم تصاویر دیده شود و ببیننده با تمام وجود سختی آن شرایط حس کند.

مسائل ساخت مستند بازسازی «نبرد بیست‌ونهم»؟
مستند بازسازی، یکی از سخت‌ترین شیوه‌های مستندسازی است. شما در مورد زمانی حرف می‌زنید که مدت‌ها از آن زمان گذشته و آن آدم‌ها، دیگر نیستند. هیچ‌چیز به‌جز روایت‌ها و قصه‌هایشان از آنها وجود ندارد. به این نتیجه می‌رسی که تمام مطالب را بازسازی کنی. این کار، مستند است و شما نمی‌توانید

مطالب را بازسازی کنی. این کار، مستند است و شما نمی‌توانید



مهرداد حق‌شناس، کارگردان مستند «نبرد بیست‌ونهم» در کنار دو شهید «اسحاق دارا» و «اسدا»

مهرداد حق‌شناس، کارگردان مستند «نبرد بیست‌ونهم» در کنار دو شهید «اسحاق دارا» و «اسدا»

امیر حسین نوروزی از «خاطرات موتورسیکلت» می‌گوید:

عشق، وطن، موتور تریل

گفت‌وگو

نوروزی، از جمله فیلم‌سازان پُر کار در جشنواره عمار است که مستندهای زیادی همچون «پل»، «نیجات»، «جای خالی عکس» و «هزار و یکمین سنگر» را در ادوار این جشنواره داشته و البته در چند دوره نیز، موفق به دریافت قانوس «عمار» شده است. او امسال، با مستند «خاطرات موتورسیکلت» در دهمین جشنواره مردمی فیلم عمار حضور دارد. این اثر، ماجرای موتورسوارانی است که در روزهای ابتدایی جنگ، ششیفته شهید چمران می‌شوند و همراه او راهی جبهه‌ها می‌شوند. *گفت‌وگو*ی ما با **امیر حسین نوروزی** را در باره این مستند در ادامه می‌خوانید.

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

در ابتدا از انگیزه و ماجرای پرداختن به این سوژه بگویید؟

سه سال پیش در خانه مستند آقای سامان مختاری که تصویربردار و طراح هستند به همراه همسرشان خانم کمالی، موضوعی داشتند که مربوط به موتورسوارانی بود موقع جنگ تحمیلی، تحت تأثیر شهید مصطفی چمران، وارد یک فضای متفاوتی می‌شوند و برای دفاع از وطنشان، راهی جبهه می‌شوند. خانه مستند به من پیشنهاد کرد که این پروژه را به‌عنوان تهیه کننده و کارگردان کار کنم. آقای مختاری هم ایده را در اختیارم گذاشتند و بعد از تکمیل تحقیقات، به دنبال آدم‌هایی که نیاز داشتیم، رفتیم.

درباره مراحل ساخت هم کمی توضیح می‌دهید؟
این پروژه دو سال به طول انجامید. اسناد و تصاویر مرتبط با موضوع فیلم را که کم بود، به سختی پیدا کردیم. در واقع، به کمک عکاسان آن دوره، آقای بهرام محمدی‌فر، سعید یعقوب‌زاده، آقای گنجی و جاویدالآثر آقای اخوان و خانم نواب صفوی، آقای میرهامشی و چند نفر دیگر توانستیم این مسئله را تا حدی حل کنیم.

مشکلات دیگری می‌داشتیم. از جمله این‌که، بعضی از این موتورسواران، ادرسی نداشتند و برخی از آنهاپی را هم که پیدا کرده بودیم، حاضر به مصاحبه نبودند. تعدادی هم شهید شده بودند. به دنبال آدرس یکی دو تا از خانواده این شهدا هم رفتم اما نتوانستیم آنها را پیدا کنیم، آدرس‌ها مربوط به اوایل جنگ بود. از طرفی، می‌خواستیم اتفاق ویژه‌ای را هم برای یکی از سوژه‌های فیلم ایجاد کنیم که این مسئله هم مدتی نیاز داشت

هر چیزی را به میل خودت در فیلم‌نامه قرار دهی و فیلم‌نامه و روایت شاهدان عینی است که تو را هدایت می‌کند. داستان «نبرد بیست‌ونهم»، برای سال ۱۳۶۷ و در جریان مبارزه با متجاوزان امریکایی در خلیج فارس است و تا امروز، تغییرات زیادی در فیزیک منطقه و یک‌گراند کار اتفاق افتاده بود. پیداکردن ادوات جنگی و لباس رزمنده‌ها، هر کدام سختی‌هایی داشت. ضمن این‌که ما می‌خواستیم به دو شهید، در یک فیلم بپردازیم و این کار را سخت‌تر می‌کرد. با همهٔ این سختی‌ها، ۹۰درصد از کار را بازسازی کردیم. فقط صدای پلن اول، صدای واقعی شهید رئیس است. در اپیزود سوم هم، انفجارات کشتی و تصاویر آن، پُر هزینه بود؛ بنابراین مجبور شدیم از تصاویر آرشیوی استفاده کنیم.

به‌نظر شما، چرا باید به سراغ چنین سوژه‌هایی رفت؟
در هر نقطه‌ای از ایران، شخصیت‌های زیادی به این‌شکل هستند که در لابه‌لای تاریخ هم شده‌اند؛ در حالی‌که خیلی از آن‌ها باعث شدند مسیر تاریخ عوض شود. به‌دلیل پیشینهٔ تاریخی کشور ما، در زمینه‌های علمی، دفاع مقدس و در سایر زمینه‌ها، شخصیت‌های متنوع و زیادی وجود دارند. اگر تمامی مستندسازهای ما تا زمانی که زنده هستند، این موضوعات را پیروانند و به رسالت‌شان که معرفی این‌ها به نسل امروز و آینده‌است، عمل کنند، باز هم جادارد. هدف خودم، موقع تولید همین کار هم این بود که این آدم‌های گمنام که هیچ نامی از آن‌ها برده نمی‌شود، معرفی شوند.

مطالب را بازسازی کنی. این کار، مستند است و شما نمی‌توانید

مطالب را بازسازی کنی. این کار، مستند است و شما نمی‌توانید



مهرداد حق‌شناس، کارگردان مستند «نبرد بیست‌ونهم» در کنار دو شهید «اسحاق دارا» و «اسدا»

مهرداد حق‌شناس، کارگردان مستند «نبرد بیست‌ونهم» در کنار دو شهید «اسحاق دارا» و «اسدا»

باز خوردهای مستند تاکنون چطور بوده است؟
بازخوردها خیلی شیرین بود. افرادی که فیلم را دیدند، لذت بردند و رضای بودند. خود این موتورسواران هم موقع اکران آمدند و دید مثبتی نسبت به کار داشتند. احتمالاً یکسری اکران‌های خصوصی هم در اماکن فرهنگی خواهیم داشت. همچنین برای بعضی از خانواده‌های شهدا به‌خصوص، خانواده شهدای مدافع حرم هم نسخه‌ای از کار را می‌رسانیم تا ببینند.

جشنواره عمار؟
سال‌های اول جشنواره عمار را خیلی دوست نداشتم چون ستادی کار می‌کردند تجربه کاری و نوع برخوردشان با قشر فیلم‌ساز بر خورد خیلی حرفه‌ای و جدی‌ای نبود. یعنی فضای داشت که من خیلی جذبش نشدم. ولی سال به‌سال، فضای ستادی جشنواره، رشد کرده و این جای امیدواری دارد. همچنین علی‌رغم این‌که «عمار» نمی‌خواهد حیطه فیلم‌سازی آماتور و تجربی را ببندد ولی این باعث نشده که فیلم‌های خوب و حرفه‌ای در جشنواره نباشد و فیلم‌هایی هم که دیده می‌شوند، فیلم‌های خوبی هستند. البته فکر می‌کنم تعدد موضوعات برای جایزه دادن، چندان لازم نباشد. خودم با این دسته‌بندی موضوعی، چندان ارتباط نمی‌گیرم. از طرف دیگر، خوشحالم که «عمار» به سمت تولید هم حرکت می‌کند و تولیداتی، مثل تولیدات خوبی است. هم تولیدات داستانی دارد مثل فیلم سینمایی «منطقه پرواز ممنوع» و هم مستند مانند «بانو». خواهشم از دست‌اندرکاران «عمار» این است که تولیداتی، صفر تا صد خودش کند. خیلی از سازمان‌ها و نهادهای انقلابی، وقتی فیلم‌هایشان را برنوسپاری می‌کنند، دیگر آن فرآیند نسل‌سازی و پرورش نیرو را فراموش می‌کنند.



امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

نگاهی به مستند «نبرد بیست‌ونهم»:

برای اسدا... اسحاق و دیگران

یادداشت فیلم **حسن صالحی‌خواه***



مستند «نبرد بیست و نهم» از تولیدات مرکز خلیج فارس صدا و سیما، روایت‌گر زندگی تا شهادت دو رزمنده به نام «اسدا... ریسی» و «اسحاق دارا» از دل مردم جنوب، یعنی هرمزگان است. روی این گزاره «از دل مردم» بودن، خیلی تأکید دارم. «نبرد بیست و نهم»، پرتزهای از دو رزمنده عادی اما پر از ویژگی‌های خاص است که روایتی خطی – موازی و سراسرت

دارد. کارگردان از همان چند سکناس اول، تکلیفش را با مخاطب روشن می‌کند که قرار است یک داکویدرامای(مستند بازسازی‌شده) دفاع مقدسی ببیند که روایتش بدون گفتارمتن و تصاویرش در راستای خط روایت شاهدان، دوازه‌سازی شده و در سه بخش روایت می‌شود.

این‌که کارگردان به سراغ رزمنده‌هایی کمتر شناخته‌شده رفته، پرسوناژهای مستند را برای مخاطب، ملموس‌تر کرده است. به‌خصوص برای نسل رزمندگان دفاع مقدس که در آن هوا نفس کشیدند. البته نسل جدید که تصور زیادی از جنگ ندارد، شاید به‌خاطر ویژگی‌های منحصر به‌فرد اخلاقی این رزمندگان، کمی در ارتباط برقرار کردن با شخصیت‌ها با مشکل روبرو شود.

مصاحبه با بستگان و رزمندگان این شهدا، روایت‌های داستان را تا حد امکان مستندتر کرده است. مصاحبه‌شوندگان با هوشمندی انتخاب شده‌اند تا زوایای مختلف زندگی سوژه‌ها را پوشش بدهند. از زندگی شخصی تا حضور در میدان جنگ، به خوبی در خط داستانی مستند به تصویر کشیده شده‌است.

هنگام تماشای روایت اول(شهید ریسی)، تعلق خاطر شهید به خانواده را به‌عنوان یک مخاطب به‌خوبی درک کردم و یادغذف‌های شهید اسدا... ریسی توانستم ارتباط برقرار کنم. چندوجهی بودن شخصیت این شهید در مستند درآمده و کارگردان در معرفی شخصیت، موفق عمل کرده‌است. مخاطبی که در جریان تمام موضوع این فیلم نباشد، در انتهای روایت اول مستند، با این تعلق مواجه می‌شود که چرا خط داستان شهید ریسی در اینجا بریده شد؟

روایت دوم با نام «اسحاق»، با دو برادر کوچک شروع می‌شود. من در همان دقایق اول توانستم با شخصیت این دو برادر، ارتباط برقرار کنم. دو پسر کم‌سن‌وسال، اهل بندرعباس که یکی آرام و دیگری پُر شروشور است. مخاطب با این دو برادر همراه می‌شود. بهتر است بگویم مخاطب با این دو برادر بزرگ می‌شود و همراه با خط روایی فیلم حرکت می‌کند و جلو می‌آید. شبیهت‌های برادر کوچک‌تر – گنجعلی – برایم شیرین و شهادت‌ش برایم شوکه‌کننده بود.

به‌شخصه، روایت «اسحاق» یعنی روایت دوم مستند «نبرد بیست و نهم» را بیشتر دوست داشتم. البته نمی‌توانم دلیل فنی بیاورم که مثلاً فیلم ما، غالباً همان اخراجی‌های معروف فیلم مسعود دهنمکی هستند

که این‌بار، مخاطب بدون الهام‌های پُرمطراقی سینما و به‌دور از هر گونه افراق و تصنعی بی‌برده با آنها روبه‌رو می‌شود. برای همچون منی به‌عنوان جوان امروزی که هیچ تصویر یا خاطره زنده‌ای از دفاع مقدس ندارد، این فیلم، همچون آینه‌ای شفاف، انعکاس مردانی است که از عشق و حال و تک‌پرخ‌زدن در تهیه‌های «گیشا» و «شهران» قدیم در تهیه‌ای «لله‌لکبر» گذاشتند. آدم‌های این فیلم از جنس خودمان هستند. جوانانی که سرست از قدرت و نشاط جوانی، به‌دنبال راهی درست برای تخلیه این هیجان و انرژی می‌روند. ما در این مستند با آدم‌های کتاب «حوض نقاش‌ها» نوشته سیدالفضل کاظمی زندگی می‌کنیم.

«خاطرات موتورسیکلت» داستان مردانی است بی‌ادعا. مردانی که روزی از همه خوشی‌های دنیوی گذشتند و دست در دست مرشدی کاربده، مسیری سخت را پیومودند و سرافراز بیرون آمدند. موتورسواران فیلم ما، غالباً همان اخراجی‌های معروف فیلم مسعود دهنمکی هستند که این‌بار، مخاطب بدون الهام‌های پُرمطراقی سینما و به‌دور از هر گونه افراق و تصنعی بی‌برده با آنها روبه‌رو می‌شود. برای همچون منی به‌عنوان جوان امروزی که هیچ تصویر یا خاطره زنده‌ای از دفاع مقدس ندارد، این فیلم، همچون آینه‌ای شفاف، انعکاس مردانی است که از عشق و حال و تک‌پرخ‌زدن در تهیه‌های «گیشا» و «شهران» قدیم در تهیه‌ای «لله‌لکبر» گذاشتند. آدم‌های این فیلم از جنس خودمان هستند. جوانانی که سرست از قدرت و نشاط جوانی، به‌دنبال راهی درست برای تخلیه این هیجان و انرژی می‌روند. ما در این مستند با آدم‌های کتاب «حوض نقاش‌ها» نوشته سیدالفضل کاظمی زندگی می‌کنیم.

«خاطرات موتورسیکلت»، به‌نظر نگارنده در –لاسه‌لای صحبت‌های شخصیت‌هایش، تصویری زنده و نزدیک از مردی می‌سازد که نامش همواره ورد زبان هاست. مردی از جنس نور که تاکنون نه در کتاب‌ها و نه در فیلم پُر ادعای «وچ» او را نشناخته بودیم. نمونه کامل هجرت، جهاد و شهادت؛ «دکتر مصطفی چمران» یا آن لحن آرامش‌بخش و ادبیات عرفانی. مردی که نگاهش فراثر از ظاهر بود، اسلام و وطن، برایش مهم بودند نه پست و مقامی که با حرف‌های انسان‌های کوتاه‌بین در معرض خطر قرار گیرد. این فیلم، در یکی دو سکناس، مستقیم به شهید چمران می‌پردازد اما این شهید در تمام فیلم جریان دارد. در تک‌تک سکناس‌ها و مونولوگ‌ها. نیاز منطقه اهواز ایجاب می‌کند که موتورسوارهای سریع

و چابک برای رفتن از مناطق صعب‌العبور در جنگ حاضر شوند و شهید چمران بدون توجه به حرف‌های دیگران، با نیتی خدایی قصد بهبود اوضاع را دارد. این‌که وزیر دفاع یک مملکت، خودش شخصاً بدون تشریفات سازمانی، خیلی خودمانی بیاید و بگوید نیاز کشور چیست و دست کمک دراز کند، باعث می‌شود که جوانان بشور و مغرور برای اثبات توانایی خود یا به عرصه عمل بگذارند. قطعاً تمام آدم‌های فیلم چه آنهایی که حاضرند و چه آنها که در بین ما نیستند، خود و زندگی‌شان را

میدان این مرد بزرگ می‌دانند.

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت»

سید محمد حسین هاشمی گلپایگانی از «میدون» می گوید:

حل مسئله به جای کلی گویی

«برنامه تلویزیونی»، یکی از زیربخش‌های قالب «فیلم» جشنواره مردمی فیلم عمار است که به‌منظور معرفی تولیدات و کارهای موفق رسانه ملی در فراخوان این جشنواره، گنجانده شده است. «میدون» که یک رقابت تلویزیونی استعدادیابی شغلی است، یکی از برنامه‌های حاضر در این بخش جشنواره است. با سید محمد حسین هاشمی گلپایگانی، تهیه‌کننده این برنامه، گپ وگفتی داشتیم که در ادامه می‌آید.

گفت‌وگو

در ابتدا درباره شکل گیری ایده چنین برنامه‌ای، کمی توضیح دهید؟

ایده این برنام، تقریباً سه-چهار سال پیش، وقتی که در ما قالب برنامه تلویزیونی «پایش» یا «حرف حساب» سراغ کسب‌کار و جشنواره کارآفرینی می‌رفتم، شکل گرفت. البته ایده اولیه به این شکل فعلی نبود، یک برنامه اقتصادی صرف بود ولی کم کم با تغییراتی که دادیم، به‌عنوان برنامه اقتصادی و سرگرمی درآمد که استقبال خوبی هم در تلویزیون داشت. بیش از ۳هزار درخواست از سراسر کشور برای حضور در برنامه داشتیم که البته برای این منظور، از افراد، مصاحبه می‌کنیم.

همه ما نسبت به مسئله اقتصاد، دغدغه داریم، ولی این بحث‌هایی که می‌شود، کلی‌گویی و هیچ راهکار و حل مسئله‌ای ندارد. ما دنبال این بودیم که یک حل مسئله صورت بگیرد، یعنی واقعاً یک کسب‌و کار مردمی نمایش داده شود، مورد بررسی قرار گیرد و کسب‌و کار واقعی، راه بیافتد برود و مردم هم این را ببینند. الحمدلله،



گپ‌وگفت مفصل با حسین شمقدری درباره مستند «متولد اورشلیم»:

قضاوت شخصی، مستند نیست

حسین شمقدری پس از مستندهای ماجراجویانه خود در قاره اروپا، این بار به سراغ صهیونیست‌ها رفته و محمد دلاوری در مقام راوی با پنج شخصیت یهودی؛ یک استاد دانشگاه، یک خاخام یهودی، یک خواننده زن، یک عضو ارتش اسرائیل و یک فعال اجتماعی گفت‌وگو می‌کند و نظر آن‌ها را پیرامون مسائلی نظیر هولوکاست، جشن یوریم، شکل‌گیری اسرائیل و… جو یا می‌شود. شمقدری در این مستند ۴۷دقیقه‌ای سعی دارد و او تئیی بی‌پرده از صهیونیست‌ها به مخاطب ایرانی ارائه کند، روایتی که تا به حال ندیده‌اند. در ادامه گفت‌وگوی ما را با حسین شمقدری درباره این مستند می‌خوانید.

چه شد که به سراغ این سوزه رفتید؟

ما طی سفرهایی که به خارج از کشور داشتیم، با اسرائیلی‌های زیادی روبه‌رو می‌شدیم، اوایل، وقتی می‌فهمیدیم که اسرائیلی‌اند از آن‌ها می‌ترسیدیم و آن‌ها هم وقتی می‌فهمیدند، ما ایرانی هستیم متقابلاً از ما می‌ترسیدند، از آن طرف هم وقتی روی خاطرات بچه‌هایی که تجربه‌ی تعامل و گفت‌وگو با اسرائیلی‌ها را داشتند، کار می‌کردیم به موارد جالبی برخوردیم که باعث شد به سراغ این سوزه برویم؛ چرا که برای مخاطب حوزه‌ای ناشناخته بود و به دنبال کشف آن در فرآیند مستند بودیم.

فکر می‌کنید تا چه میزان در ارائه تحلیلی جامع از مسأله صهیونیست موفق عمل کرده‌اید؟

بعضی‌ها فکر می‌کنند فیلم مستند این است که یک‌سری تحقیقات و مقالات را بیاوریم در قالب مستند ارائه بدهیم و هر چه در مستند، تحقیقات بیشتری ارائه شود، مستند، قوی‌تر است. در حالی که فیلم مستند، باید مبتنی بر تجربه و قصه‌گویی باشد. «متولد اورشلیم» تجربه‌ی رویارویی با صهیونیست‌ها است و این تجربه به‌عنوان نخستین گام در این موضوع تجربه با ارزشی بود و توانست یک حقیقت و واقعیتی را که پیش از این مخاطب از آن اطلاع نداشت، به او ارائه دهد.

فیلمنامه‌ای برای کار داشتید یا به‌صورت کشف‌وشهودی پیش رفتید؟

به مستندسازی مبتنی بر فیلمنامه معتقدم اما در عرصه‌ی عمل، ممکن است چیزی که نوشته‌اید، تغییرات زیادی به همراه داشته باشد که مشکلی هم ندارد و مستندساز باید بتواند خودش را با واقعیتی که پیش می‌آید، تطبیق دهد.

به بکر و ناشناخته بودن سوزه تان اشاره کردید، به‌نظر تان، چه مقدار از مخاطب داشتن آثار تان، ناشی از بکر بودن سوزه تان هست و چه مقدار از تحقیق و پژوهش کار؟

فیلمی که با یک سوزه‌ی عجیبی روبه‌رو می‌شود، وقتی که بتواند از سطح سوزه به عمق آن حرکت کند، آن وقت است که مستند به معنای واقعی اتفاق افتاده است. حالا آن نگاه عمیق می‌تواند مبتنی بر تحقیقات و پژوهش‌ها باشد یا مبتنی بر تلاش و کوشش مستندساز

در رابطه با تیم داوری کار هم دوست داشتیم توضیح بدهید؟ این افراد بر چه اساسی، دور هم جمع شدند؟

ما پنج نوع کاراکتر برای تیم داوری داریم و فکر می‌کنیم که اینها مواردی هستند می‌توانند در اقتصاد مردمی فعال و نقش داشته باشند. خانم دکتر مهرنوش، به‌عنوان چهره دانشگاهی، یک کاراکتر مهندسی، دکتر اسدی، کاراکتر دیجیتال مارکتینگ، آقای پرویز کر می، به‌عنوان کاراکتر دولتی، آقای علیرضا یونچی، به‌عنوان چهره بازاری و فضای کسب‌وکار سنتی و آقای علیرضا نبی هم به عنوان یک تولیدیه‌کننده در کنار همدیگر، داوران برنامه «میدون» هستند.



میزبانان برنامه «میدون»

کمی از مسائلی در جریان این برنامه داشتید، بفرمایید.
خاطره خوب، خیلی داشتیم. وقتی می‌بینید کارآفرینی که به او توجه نمی‌شد، طی چند روز بعد از برنامه، خندان و خوشحال می‌آید، ما را هم به‌شدت خوشحال می‌کند و برای ما هم شیرینی می‌آورد و تشکر می‌کند، به ما می‌گوید «زندگی من را عوض کردید، زندگی من، به قبل و بعد از برنامه «میدون» تقسیم می‌شود، این برای ما، خیلی شیرین است.

از این نمونه‌ها زیاد داریم. یکی از افرادی که اخیراً در برنامه ما بود، می‌گفت در دهه هشتاد، کسب‌و کاری را داشته است ولی بعداً می‌خواستند طرحش را بپذیرند، به همین خاطر، کار را کنار گذاشته بود. به ما می‌گفت «وقتی برنامه «میدون» شروع شد، انگیزه گرفتم و دوباره شروع کردم و الان هم کسب‌وکارم را راه انداختم و موفق شدم». از اینها زیاد داریم. البته، برنامه ما سختی‌هایی هم دارد که به نظر من، دلیل اصلی‌اش این است که نه داوران و نه شرکت‌کننده‌های ما، سلبریتی، بازیگران و مثل اینها نیستند، وقتی با توجه به چنین چیزهایی می‌خواهیم یک شوی تلویزیونی خوب دربیاوریم، کار، خیلی سخت می‌شود.

درباره میزان سرمایه‌هایی هم که به کمک برنامه «میدون» برای حمایت از کسب‌وکارها جمع شده است، می‌توانید توضیح دهید؟

رقم‌های مختلفی داشتیم، مثلاً یک نفر در حوزه فراوری خرما به برنامه ما آمد که بعد از آن، ۷۰۰میلیارد تومان سرمایه‌گذاری فراهم شد یا نفر دیگری در حوزه فرش بود که ۲۰ میلیارد تومان، سرمایه‌گذار پیدا کرد.

برنامه «میدون» ادامه خواهد داشت؟

نمی‌دانم، در این مورد، مدیران سیما تصمیم بگیرند که تداوم داشته باشد یا خیر.

نگاهی به مستند «متولد اورشلیم»:

اینهارا که همه می‌دانند

خون که اگر در رگ‌های سرزمین اشغالی در رفت‌وآمد نباشند، ادامه حیات آن را غیرممکن می‌سازند بسیاری از مردان و زنانی که نژاد و قوم خود را برتر از دیگران می‌دانند و دلیل این را می‌توان در دهان بزگان دیدن‌شان و در به خاک‌وخون کشیده‌شدن صاحب‌خفه آن سرزمین و کودکان‌شان مشاهده کرد؛ وزنان ساکن خاک اشغالی که این مردان را در خلغ‌ای غصبی به دنیا می‌آورند و این نگاه بدون مرز سیاسی قیلم‌ساز، تا آنجا پیش می‌رود که سربازان اسرائیلی را با انگیزه‌تر از ایرانیان نشان می‌دهد.راوی دوران سربازی دوساله در ایران را در برابر سرباز اسرائیلی که سه سال‌انیم به جنگ رفته، قرار می‌دهد و همان دو سال را هم برای جوانان ایرانی سخت می‌داند. این در حالی است که اگر مسئله شرکت در جنگ است، پس باید با دوران جنگ در ایران مقایسه شود. راوی چگونه توانسته ماندگانی را در دوران دفاع مقدس ببینند که از ابتدای نبرد تا انتهای آن یعنی هشت‌سال در جبهه جنگ‌دهند و حالا مغفل‌وار شجاعت جنگی یک مدافع رژیم نامشروع را بر سرهم‌وطن‌ش بکنند؟

«متولد اورشلیم» -سره ده از رازی برنمی‌دارد و حتی برای سؤال‌های مطرح‌شده برای راوی در ابتدای فیلم هم پاسخ قانع‌کننده‌ای ندارد و این به‌خاطر فقدان شیکه استدلالی در آن است. شاید تمام این‌ها مقدمه‌ای برای حرف آخر قیلم‌ساز است که: «ظلم بد است». (ری، ظلم بد است اما این که همه می‌دانند هزاران سال قبل از آنکه این مستند بگوید ظلم بد است، دیگران آن را بد می‌دانسته‌اند.



مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری

مستند داوری